



برخی شاعران به سبک مشخصی نزدیک شده‌اند

◇ منوچهر علی‌پور

۱. بی‌گمان، ادبیات کودک و نوجوان در دو دهه اخیر، حرکتی زیربنایی و رو به جلو داشته است. تحولاتی که اساساً در این دو دهه، در حوزه ادبیات کودک و به ویژه شعر کودک رخ داده، بیشتر می‌توان گفت محتوایی بوده است تا ساختاری. مضامین و موضوعات متنوع و رویکرد شاعران، به باورها و پشتوانه‌های فرهنگی و مذهبی در شعر کودک، می‌تواند از بارزترین و اصلی‌ترین مشخصه‌های شعر کودک در ایران پس از انقلاب باشد.

۲. شاید بتوان گفت یکی از بزرگترین بحران‌هایی که در این دو دهه، دامنگیر شعر کودک و حتی ادبیات کودک بوده، سطحی‌نگری آفرینشگران آثار ادبی است. اگر مقایسه‌ای تطبیقی بین شعر کودک دهه پنجاه و شصت، انجام دهیم، به روشنی خواهیم دید اگر چه شعر کودک در دهه پنجاه، از مضامین اجتماعی کمتری برخوردار و تا حدودی با پند و اندرز عجین بوده، اما ارتباط بهتری می‌توانسته با مخاطبانش داشته باشد. امروز مقوله‌ای داریم به نام «شعر نوجوان»، اما آیا واقعاً شعر نوجوان توانسته با مخاطبانش که «نوجوان» باشد، ارتباطی عاطفی و صمیمی برقرار کند؟ بی‌گمان، پاسخ منفی خواهد بود!

این عدم ارتباط واقعی شعر کودک و نوجوان با مخاطبان خود، به گمان من، یکی از مهمترین بحران‌هایی است که دامنگیر شعر کودک و نوجوان

۱. بی‌گمان، ادبیات کودک و نوجوان در دو دهه اخیر، حرکتی زیربنایی و رو به جلو داشته است. تحولاتی که اساساً در این دو دهه، در حوزه ادبیات کودک و به ویژه شعر کودک رخ داده، بیشتر می‌توان گفت محتوایی بوده است تا ساختاری. مضامین و موضوعات متنوع و رویکرد شاعران، به باورها و پشتوانه‌های فرهنگی و مذهبی در شعر کودک، می‌تواند از بارزترین و اصلی‌ترین مشخصه‌های شعر کودک در ایران پس از انقلاب باشد.

گمان نمی‌رود در ایران، درباره ادبیات کودک کسانی پژوهشی از نظر سبک شناختی انجام داده و سبک شناسی شعر کودک را بر رسیده باشند، اما با دگرگونی‌هایی که در شعر کودک امروز شکل گرفته، می‌توان گفت برخی از شاعران، به سبک مشخصی، نزدیک شده‌اند و این می‌تواند بسیار نوید بخش باشد.

در شعر کودک، شاعران در این دو دهه اخیر، به تجربه‌های گوناگونی دست زده‌اند و هرکس از نظرگاه خویش، به مضامین شعر نگریسته است. تنوع مضامین و موضوعات، به ویژه پردازش به شعر روستا و روستا گرایی، شعر جنگ و شعر شهادت از مضامین اصلی شعر کودک پس از

امروز است.

مرتبط باشد.

۴. درگیر بودن بیش از اندازه کودک و نوجوان با کتب درسی خود و به تعبیر دیگر، کتاب محوری آموزش و پرورش، موجب می‌شود میزان رشد ادبیات کودک و اساساً سرانه مطالعاتی کودک، به طرز شگفت‌آوری پایین بیاید.

در کشورهای پیشرفته، حتی در مقاطع ابتدایی، اولیای مدارس و معلمان از دانش‌آموزان خود درباره موضوعات درسی کنفرانس می‌خواهند و یا تشویق‌شان می‌کنند در مورد یکی از موضوعات درسی «تحقیق و پژوهش» انجام دهند. در حقیقت، دانش‌آموز را ابتدا با پژوهش و کتابخوانی مستمر و مفید آشنا می‌کنند، اما متأسفانه در سیستم آموزش و پرورش فعلی ما، پژوهش و تحقیق و کتابخوانی به مفهوم درست آن اصلاً جایی ندارد. فقط معلم از دانش‌آموز یادگیری کتاب درسی‌اش را می‌خواهد و بس و نمره محوری نیز که بیداد می‌کند! لذا گمان می‌رود همه این عوامل، در پایین بودن تیراژ کتاب‌ها مؤثر باشد.

شما ببینید جایگاه ادبیات کودک و نوجوان در آموزش و پرورش که همه کودکان و نوجوانان کشور را در اختیار دارد، کجاست؟! همین یک نکته به سؤال شما پاسخی دقیق خواهد داد.

۵. با توجه به پژوهشی که در شعر کودک و نوجوان داشته‌ام، این کتاب‌ها در حوزه شعر پس از انقلاب، تأثیر گذارتر بوده‌اند:

۱. مجموعه «شیرین تر از پرواز» از دکتر قدمعلی سزای که منظومه‌ای است بسیار زیبا در قالب شعر نیمایی. این منظومه بلند که توسط کانون پرورش فکری کودکان به چاپ رسیده،

در مرحله بعد، شعاری بودن برخی از سروده‌ها و حتی نوشته‌ها در حوزه ادبیات داستانی، از دیگر بحران‌هایی است که ادبیات کودک و نوجوان از آن فراوان رنج می‌برد و باید آفرینشگران ادبیات کودک و نوجوان و حتی ناقدان، ژرفتر و دقیق‌تر به این مقوله چشم بدوزند و این بحران و این ویروس ویرانگر را از دامن ادبیات کودک و نوجوان بزدایند.

۳. به گمان من، تنوع عناوین کتب کودک و نوجوان، نمی‌تواند مشکل کاهش شمارگان کتاب را توجیه کند. عوامل مهم‌تری در این عرصه هست که هر یک به تنهایی، در این زمینه تأثیرگذار است که برخی از آنها را در این جا برمی‌شمارم:

الف) گرانی کتاب: گران بودن قیمت کتاب کودک و نوجوان که قطعاً با گران بودن کاغذ، لیتوگرافی، چاپ، صحافی، طراحی و... در ارتباط است و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید این مشکل را حل کند. موجب می‌شود خریدار و یا خواننده کتاب که کودک و نوجوان باشد، کمتر به طرف خرید کتاب برود و لذا ناشر ناگزیر خواهد بود شمارگان کتاب را پایین بیاورد.

ب) برنامه‌های ویژه کودک و نوجوان که به طور نامنظم از صدا و سیما پخش می‌شود، تأثیری منفی بر وقت مطالعاتی و تفریحی کودکان و نوجوانان به جا می‌گذارد. به عبارتی، وقتی برای مطالعه کتاب باقی نمی‌گذارد و حتی به نظر می‌رسد کودکان و نوجوانان از مطالعه کتب درسی‌شان نیز گاهی جا می‌مانند! بنابراین، همین عامل هم می‌تواند به کم بودن شمارگان کتاب کودک

◇ مضامین و موضوعات متنوع و رویکرد شاعران، به باورها و پشتوانه‌های فرهنگی و مذهبی در شعر کودک، می‌تواند از بارزترین و اصلی‌ترین مشخصه‌های شعر کودک در ایران پس از انقلاب باشد.

◇ در کشورهای پیشرفته، حتی در مقاطع ابتدایی، اولیای مدارس و معلمان از دانش‌آموزان خود درباره موضوعات درسی کنفرانس می‌خواهند و یا تشویق‌شان می‌کنند در مورد یکی از موضوعات درسی «تحقیق و پژوهش» انجام دهند.

بسیار تأثیر گذار است.
۳. کتاب‌های «کوچه دریاچه‌ها» و «بر بال رنگین کمان» از بیوک ملکی که این دو مجموعه، برای نوجوانان (گروه سنی ۷) سروده شده است.

۴. کتاب «یک سبد بوی بهار» از افشین علاء، به دلیل صمیمی بودن اشعار این کتاب و نزدیک بودن مضامین این سرودها با دنیای نوجوانان، بسیار تأثیر گذار است.

۵. کتاب «به خاطر خروسه» از شکوه قاسم‌نیا، برای خردسالان و کودکان.

۶. و آخرین کتاب خوب و تأثیر گذار در حوزه خردسالان و کودکان، کتاب «از برگ گل بهتر» از آقای ناصر کشاورز.

این چند اثر برشمرده شده، هریک، دارای ویژگی‌های خاصی است که در این مقال مجال بررسی آنها نیست.

از ساختاری بسیار غنی برخوردار است. تصاویر شعری این مجموعه، با مخاطبانش بسیار خوب ارتباط برقرار می‌کند و در حوزه واژگان و زبان نیز این مجموعه، مثال زدنی است.

ناگفته نماند این اثر به سبب قابلیتش، توسط خانم مرضیه محبوب، به صورت نمایش منظوم عروسکی درآمد و آقای فریبرز لاجینی نیز برای آن نمایش عروسکی، آهنگ ساخت و در مجموعه متأثر شهر تهران به اجرا درآمد.

۲. منظومه «ظهر روز دهم» از دکتر قیصر امین‌پور، کتاب دیگری است که می‌توان از آن به عنوان شعر موفق این دو دهه نام برد. این مجموعه به گمانم تنها منظومه‌ای است که در تاریخ ادبیات کودک و نوجوان، مربوط به عاشورا است و جزو شعر عاشورایی کودک محسوب می‌شود. این منظومه نیز در قالب شعر نیمایی سروده شده و

◇ این عدم ارتباط واقعی شعر کودک و نوجوان با مخاطبان خود، به گمان من، یکی از مهمترین بحران‌هایی است که دامنگیر شعر کودک و نوجوان امروز است.